



The University of Tehran Press

The penological analysis of the social rights deprivation structure

Seyed Mohamad Asadinezhad^{1*} | Jamal Nikkar²

1. Corresponding Author, Department of law, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Guilan, Iran. Email: asadinezhad@guilan.ac.ir

2. Ph.D. Student of Private law, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Guilan, Iran. Email: jamalnikkar@yahoo.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received: November 1, 2022
Revised: October 7, 2023
Accepted: October 8, 2023
Published online June 22 2024

Keywords:
deprivation of social rights,
double punishment,
human dignity,
subordinate punishment

ABSTRACT

Social deprivation is a punishment which is predicted for the guilty with the purpose of reforming and resocialization. This structure is anticipated in two forms (independent sentence and subordinate sentence). In this punishment legislator prevent perpetrator from being in the criminal environment with the concentration of the perpetrator ability through deprivation of social rights, and decrease the possibility of recidivism, however, using the wide range of the social rights deprivation leads to be doubted and objected its efficiency in various aspects. Therefore, the direct function of law enforcement with the exalted position of law-maker in the public opinion caused this following article use descriptive and analytical methods in order to present a report for the influential of this deprivation sentence also, this article has examined the way for using this sentence and studied both defendants and opponents point of view about this matter. Results show that deprivation punishment is effective and practical in origin, however, the reason of the objection in this form of punishment returns in binary attitude which is performed by legislator in different forms. Hence, law- maker needs to reform and review this problem.

Cite this article: Asadinezhad, M. & Nikkar, J. (2024). The penological analysis of the social rights deprivation structure. *Islamic Jurisprudential Researches*. 19 (4), 279-293. DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2023.349549.1009200>



Author: Seyed Mohammad Azadinezhad, Jamal Nikkar **Publisher:** University of Tehran Press.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2023.349549.1009200>

پرتال جامع علوم انسانی



انتشارات دانشگاه تهران

نشریه پژوهش‌های فقهی

سایت نشریه: <https://jorr.ut.ac.ir/>

شاپا الکترونیکی: ۶۱۹۵-۲۴۲۳

تحلیل کیفرشناختی نهاد محرومیت از حقوق اجتماعی

سید محمد اسدی نژاد^{۱*} | جمال نیک کار^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران، رایانامه: asadinezhad@guilan.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران، رایانامه: jamalnikkar@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲

کلیدواژه:

مجازات تبعی،

مجازات مضاعف،

کرامت انسانی،

محرومیت از حقوق اجتماعی

محرومیت از حقوق اجتماعی کیفری است که با هدف اصلاح و بازاجتماعی کردن مرتکب و جلوگیری از تکرار جرم به دو صورت مجازات مستقل (اصلی) و مجازات مضاعف (تکمیلی و تبعی) در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است. در این کیفر قانون‌گذار با تمرکز بر کاهش توان مرتکب از طریق محروم کردن وی از حقوق اجتماعی از قرار گرفتن مجرم در محیط جرم‌زا جلوگیری کرده و ضریب احتمال تکرار جرم را کاهش داده است. اما اعمال طیف وسیعی از موارد محرومیت موجب شده کارآمدی این کیفر مورد تردید قرار بگیرد و از جهات مختلف ایراداتی بر آن وارد شود. با وجود رابطه مستقیم کارآمدی قوانین با تعالی جایگاه قانون‌گذار در افکار عمومی، مقاله پیش رو با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی، به منظور ارائه گزارشی از کارآمدی کیفر محرومیت، نحوه اعمال مجازات‌های محرومیت و دلایل مدافعان و مخالفان آن را مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاکی از آن است که مجازات محرومیت بالذات و اصالتاً کیفری کارآمد تلقی می‌شود و علت ایرادات وارده چیزی جز برخورد دوگانه قانون‌گذار در صورت مختلف این کیفر نبوده است که مستلزم اصلاح و بازنگری خواهد بود.

استناد: اسدی نژاد، سید محمد و نیک کار، جمال (۱۴۰۲). «تحلیل کیفرشناختی نهاد محرومیت از حقوق اجتماعی». پژوهش‌های فقهی، ۱۹ (۴)، ۲۷۹-۲۹۳.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2023.349549.1009200>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسنده: سیدمحمد اسدی نژاد و جمال نیک کار

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2023.349549.1009200>



مقدمه

مجازات یکی از ساخته‌های قدیمی بشر است که معمولاً متضمن تحمیل درد و رنج بر مجرم است و طبع انسانی آن را نمی‌پسندد. اما، با توجه به اینکه اداره جوامع بشری متکی به قوانین است، جامعه‌ای را نمی‌توان تصور کرد که در آن برای نقض‌کنندگان قوانین مجازات تعیین نشده باشد. به طور معمول مجازات‌ها با اهدافی چون سزادهی، اجرای عدالت، اصلاح و بازپروری مجرم، و پیش‌گیری از ارتکاب جرم اعمال می‌شوند و کوشش بر این است که از یک سو بزهکار با تحمل کیفر تأدیب و اصلاح شود و «بازاجتماعی» شدن او تسهیل شود و از سوی دیگر در ارتباط با قربانی آزرده‌خاطر، که در اثر اقدام مجرم آزار دیده، احقاق حق شود و بدین طریق عدالت اجرا شود. در حقوق ایران نیز این امر به وسیله پیش‌بینی مجازات حدود، قصاص، دیات، و تعزیرات محقق شده است و در حقیقت قانون‌گذار با استفاده از این مجازات‌ها درصدد تحقق اهداف یادشده و ایجاد نظم در اجتماع بوده است.

یکی از اقسام مجازات‌ها مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی است که به سه صورت اصلی و تبعی و تکمیلی در قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، پیش‌بینی شده و مصادیق آن در ماده ۲۶ تصریح شده است. مصادیق یادشده برای محرومیت بسیار گسترده و شدید است و همین امر نقدها و ایراداتی را همراه داشته و موجب تردیدها و پرسش‌هایی در خصوص کارایی این مجازات شده است؛ بدین نحو که آیا مبانی و آموزه‌های مورد تأکید در کیفردهی در مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است؟ آیا نقدهای وارده بر کیفر محرومیت صحیح است؟ آیا مجازات محرومیت در همه صور و مصادیق آن کارآمد محسوب می‌شود؟ نحوه اقدام قانون‌گذار در خصوص کیفر محرومیت چه میزان اهداف این مجازات را تأمین کرده است؟ این پژوهش درصدد است با تشریح مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی در حقوق ایران و بررسی و تحلیل آن وضعیت کارآمدی آن را مورد مطالعه قرار دهد و ضمن بررسی دلایل توجیهی و انتقادی مطرح‌شده پیشنهادهایی جهت بهبود کارآمدی آن ارائه کند تا شاید بتوان از این طریق اهداف اجرای مجازات‌ها را به بهترین نحو ممکن و با حداکثر توان تحقق بخشید. بنابراین، از آنجا که مقدمه ورود در هر موضوع و ارائه تحلیلی جامع از آن مستلزم شناخت دقیق آن است، به پیروی از شیوه مرسوم، پیش از ورود به بحث و ارائه تحلیلی از مجازات محرومیت، در گام نخست، به شناسایی موارد محرومیت در قوانین کیفری پرداخته خواهد شد. سپس، با بررسی رویکردهای توجیهی و نقادانه قابل طرح در ارتباط با این مجازات و تحلیل دلایل و نظرات، وضعیت کارآمدی مجازات محرومیت و جایگاه کیفرشناختی آن در نظام حقوق ایران تبیین می‌شود.

۱. محرومیت از حقوق اجتماعی و نحوه اعمال آن در قانون مجازات اسلامی

مجازات‌های سالب آزادی و زندان به منزله واکنشی نهایی در برابر بزه از گذشته به مثابه مجازات اصلی و شایع‌ترین واکنش نظام

۱. حقوق اجتماعی موضوع این قانون به شرح زیر است:

الف) داوطلب شدن در انتخابات ریاست‌جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی، و شوراهای اسلامی شهر و روستا.

ب) عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، یا هیئت دولت و تصدی معاونت رئیس‌جمهور.

پ) تصدی ریاست قوه قضاییه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور، ریاست دیوان عدالت اداری.

ت) انتخاب شدن یا عضویت در انجمن‌ها، شوراهای احزاب، و جمعیت‌هایی که اعضای آن به موجب قانون یا با رأی مردم انتخاب می‌شوند.

ث) عضویت در هیئت‌های منصفه و امنای شوراهای حل اختلاف.

ج) اشتغال به عنوان مدیر مسئول یا سردبیر رسانه‌های گروهی.

چ) استخدام یا اشتغال در کلیه دستگاه‌های حکومتی اعم از قوای سه‌گانه و سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به آن‌ها، صداوسیما، نیروهای مسلح و سایر نهادهای تحت نظر رهبری، شهرداری‌ها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و آن دسته از دستگاه‌هایی که مستلزم تصریح یا ذکر نام برای شمول قانون بر آن‌هاست.

ح) اشتغال به عنوان وکیل دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفترباری.

خ) انتخاب شدن به سمت قیم، امین، متولی، ناظر، یا متصدی موقوفات عام.

د) انتخاب شدن به سمت داوری یا کارشناسی در مراجع رسمی.

ذ) استفاده از نشان‌های دولتی و عناوین افتخاری.

ر) تأسیس، اداره، یا عضویت در هیئت مدیره شرکت‌های دولتی، تعاونی، خصوصی یا ثبت‌نام تجاری یا مؤسسه، آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، و علمی.

کیفری تعیین و اجرا می‌شد. اما هم‌زمان با افول اندیشه‌های مکتب تحقیقی، در سده نوزده و بیست میلادی، دولت‌ها از اندیشه‌هایی که درمان و بازپروری محکومان را هدف اصلی و اولیه قرار می‌داد استقبال کردند. بنابراین ناکارآمدی مجازات حبس در برخی از جرایم و عدم تحقق هدف اصلاح و بازپروری مجرمان از یک سو و جرم‌زا بودن محیط زندان و هزینه‌های بسیار سنگین آن برای دولت‌ها از سوی دیگر متفکران علوم جنایی را بر آن داشت که به دنبال جایگزین‌هایی برای مجازات حبس باشند. بدین ترتیب، رویکرد نوین در نظام‌های عدالت کیفری (که دیوید گارلند از آن به عنوان مدرنیسم کیفری یاد می‌کند)، برای خروج از بحران تورم جمعیت زندان‌ها و آثار سوء ناشی از آن، سیاست حبس‌زدایی را اتخاذ کرد و به این وسیله درصد محدود کردن مجازات حبس برآمد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۳: ۷۴۵).

مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی نوعی منع قانونی است که شخص به موجب آن صلاحیت و شایستگی اعمال حقوق خودش را از دست می‌دهد و به تبعیت از اصول حاکم بر مجازات‌ها از اهدافی مانند پیش‌گیری از جرم، اصلاح و بازپروری مجرم، رعایت اصل فردی کردن مجازات‌ها، و اجتناب از مجازات حبس پیروی می‌کند (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۸۷: ۷۷). منظور از حقوق اجتماعی طبق ماده ۶۲ مکرر ق.م.ا. (الحاقی سال ۱۳۷۷) حقوقی است که قانون‌گذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور می‌کند و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح است و به طور معمول متشکل از دو حوزه مدنی و سیاسی می‌شود (خالقی، ۱۳۸۰: ۳۹).

در قوانین جزایی ایران، قبل و بعد از انقلاب، محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی در ردیف مجازات‌ها پیش‌بینی و به صورت مجازات مستقل (اصلی) و مجازات مضاعف (تبعی و تکمیلی) و گاه به صورت مجازات جایگزین حبس اعمال شده و مورد حکم قرار گرفته است.

- محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات مستقل. قانون‌گذار در موادی از قانون مجازات اسلامی اقدام به پیش‌بینی مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازاتی مستقل برای افراد کرده است. ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیر مجاز می‌کنند از جمله این موارد است که مجازات ۷ و ۱۰ سال محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان بخشی از مجازات مرتکب پیش‌بینی شده است و مصادیق این محرومیت را به موجب تبصره ۱ ماده ۱۹ ق.م.ا. موارد یادشده در ماده ۲۶ قانون مورد اشاره قرار داده است. البته برخی از حقوقدانان با تقسیم کردن مجازات تکمیلی به اختیاری و اجباری مجازات بیان شده را نوعی مجازات تکمیلی اجباری عنوان کرده‌اند (اردبیلی، ۱۳۸۷: ۱۵؛ گلدوزیان، ۱۳۸۹: ۴۱).

- محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تکمیلی. کیفر و مجازات تکمیلی همانند کیفر تبعی نوعی مجازات مضاعف محسوب می‌شود، با این تفاوت که همانند کیفر اصلی در حکم دادگاه قید می‌شود. این مجازات که در ماده ۲۳ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده به قاضی اختیار داده است که با رعایت شرایط مقرر در قانون و متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات فرد مرتکب وی را به یک یا چند نوع از مجازات‌های تکمیلی مقرر شده در این قانون، برای مدت کمتر از ۲ سال، محکوم کند. در این ماده صرفاً برخی از مصادیق محرومیت به عنوان مجازات تکمیلی (به صورت حصری) پیش‌بینی شده است.^۱

- محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی. مجازات تبعی مجازاتی است که علاوه بر مجازات اصلی خودبه‌خود و بدون ذکر آن در حکم دادگاه به موجب قانون بر محکوم اعمال می‌شود. به بیانی دیگر، گاه اهمیت جرم یا وضعیت مجرم به گونه‌ای است که قانون‌گذار نه‌تنها به اجرای مجازات اصلی اکتفا نمی‌کند، بلکه مجرد صدور حکم محرومیت از سوی قاضی را منشأ یک‌سری از مجازات‌های دیگر دانسته است که اصطلاحاً مجازات‌های تبعی نامیده می‌شود (صبری، ۱۳۹۰: ۶۳). مجازات تبعی به عنوان نوعی مجازات مضاعف در ماده ۲۵ ق.م.ا. پیش‌بینی شده است و گستردگی موارد و مصادیق آن بیش از مجازات‌های تکمیلی است که بدون توجه به خصوصیات مرتکب و شرایط ارتکاب جرم بر مجرم تحمیل می‌شود.

۱. از مجازات‌های تکمیلی مقرر در قانون عبارت‌اند از: اقامت اجباری در محل معین، منع از اقامت در محل یا محل‌های معین، منع از اشتغال به شغل یا حرفه یا کار معین، انفصال از خدمات دولتی و عمومی، منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری یا تصدی وسایل موتوری، منع از داشتن دسته چک یا اصدار اسناد تجارتي، منع از حمل سلاح، منع از خروج اتباع ایران از کشور، اخراج بیگانگان از کشور، منع از عضویت در احزاب و گروه‌ها و دسته‌جات سیاسی یا اجتماعی، و انتشار حکم محکومیت قطعی.

بررسی کیفر محرومیت از حقوق اجتماعی در قانون مجازات اسلامی بیانگر آن است که مقنن به صورتی یکپارچه و هماهنگ عمل نکرده است؛ به نحوی که در مجازات‌های تکمیلی مصادیق محدودتری برای محرومیت در نظر گرفته شده و توجه به خصوصیات مرتکب و تناسب مجازات با جرم ارتكابی لحاظ شده است. اما در مجازات‌های تبعی مصادیق اتخاذ شده بسیار گسترده و شدید است؛ امری که نتیجه‌ای جز طرد شدن مجرم از جامعه و ایجاد نقشی منفعل برای وی به همراه نخواهد داشت و می‌تواند منتهی به تکرار جرم شود و دستیابی به هدف بازاجتماعی شدن مجرم را تحت شعاع قرار دهد. این برخورد دوگانه مقنن، پرسشی اساسی را در ذهن ایجاد می‌کند مبنی بر اینکه آیا این تفاوت رفتار مقنن در نتیجه تسامح و اشتباه بوده است یا بر مبنای مصالحی اتخاذ شده است؟ پاسخ بدین امر مستلزم بررسی و تحلیل دلایل توجیهی و انتقادی به این کیفر است.

۲. دلایل توجیهی و انتقادی حاکم بر مجازات‌های محرومیت

کیفردهی مجرمان با استفاده از مجازات محرومیت به مثابه برخی دیگر از مجازات‌ها، همچون مجازات اعدام، موافقان و مخالفانی دارد که بررسی دلایل توجیهی و انتقادی مطروحه در این خصوص می‌تواند در تحلیل وضعیت این کیفر و تبیین کارآمدی آن بسیار راهگشا باشد.

۲.۱. دلایل توجیهی نسبت به مجازات محرومیت

موافقان اعمال کیفر محرومیت هدف اصلی از وضع این مجازات‌ها را کاهش جرایم، بازدارندگی بیشتر، اصلاح رفتار مجرمان، و عدم تکرار جرم می‌دانند و این امر طرز تفکری است که بکار یا و پیش از او منتسکیو در مکتب کلاسیک حقوق کیفری پدید آوردند. به نظر ایشان، این مجازات به نوعی تکمیل‌کننده مجازات اصلی محسوب می‌شود و دلیل ذکر مصادیق گسترده برای آن وضعیت و شخصیت مجرمانی است که بیشتر حالت خطرناک را به خود گرفته‌اند و امکان تکرار جرم در آن‌ها وجود دارد. به عبارتی این مجازات به همراه مجازات مستقل و اصلی برای مرتکبان جرایم سنگین و واجد حالت خطرناک نقشی مکمل دارد و الزامی است. چون منجر به سلب موقعیت‌های جرم‌زا و توان بزهکار می‌شود و کاهش تمایل مجرم به سوی تکرار جرم را به همراه خواهد داشت. به نظر می‌رسد تفکر موافقان مجازات محرومیت بر این پیش‌فرض مبتنی است که مجرمان تا زمانی که مورد تدابیر توان‌گیر قرار می‌گیرند از ارتکاب دوباره جرم ناتوان خواهند شد و از این رو نظام عدالت کیفری با کاهش شمار بزهکاری روبه‌رو خواهد می‌شود (غلامی، ۱۳۸۲: ۵۷). بنابراین کارکرد توان‌گیرانه مجازات محرومیت در پیش‌گیری از تکرار جرم و کاهش شمار آن مؤثر خواهد بود (کاوادینو، ۱۳۸۴: ۴۲). به عقیده ایشان، قانون‌گذار درصدد است با یک اقدام پیش‌دستانه تا حد امکان دست این افراد را از مشاغل و مناسب حساس جامعه کوتاه کند. زیرا اگر مجرمان بتوانند بلافاصله پس از ارتکاب جرم همانند افراد عادی (غیر بزهکار) وارد جامعه شوند و در عرصه اجتماع به ایفای نقش پردازند ممکن است به علت ضعف فضایل اخلاقی و شایستگی اجتماعی به مصالح و منافع جامعه لطمه وارد کنند. بنابراین این اقدام به نوعی تأمین دفاع جامعه در برابر خطر تکرار جرم محسوب می‌شود و یک «اقدام تأمینی خنثی‌ساز» است (دانش‌پژوه، ۱۳۷۸: ۳۷).

موافقان برای توجیه نظر خود در تحمیل مجازات محرومیت بر کیفر اصلی، نظم بخشیدن به اجتماع و حاکم کردن انتظام اجتماعی را مبنا قرار داده‌اند و معتقدند حکومت اسلامی در جرم‌انگاری و تعیین کیفرهای تعزیری و مجازات‌های بازدارنده دارای اختیارات تام‌اند و از اختیارات حاکم اسلامی است که به منظور حفظ حکومت اسلامی و پیش‌گیری از خطرات احتمالی که جامعه و نظام اسلامی را تهدید می‌کند تعیین مجازات کند^۱ (رهامی، ۱۳۸۰: ۲۱). ایشان به مواردی که بر اساس فتاوی فقها

۱. این موضوع از مباحث اختیار حاکم در تعزیرات است که در منابع فقهی به صورت مختلفی بیان شده است؛ از جمله: «التعزیر بما یراه الحاکم» (محقق اردبیلی، ۱۴۱۲، ج ۳: ۱۵)، «التعزیر الی الإمام» (شیخ طوسی، ۱۴۱۷، ج ۵: ۴۹۷)، «التعزیر الی الوالی» (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۹: ۲۲۲). درباره اینکه تعیین جنس و میزان تعزیر بر عهده کیست اختلافاتی میان فقها وجود دارد؛ بدین نحو که برخی این امر را به صلاحدید حاکمیت جامعه اسلامی (امام و نایب امام) موکول کرده‌اند (رهامی، ۱۳۸۰: ۲۱؛ نجفی، ۱۴۲۳، ج ۴۱: ۶۳۹). برخی دیگر معتقدند منظور از حاکم یا امام قاضی صادرکننده حکم است. زیرا هدف از اختیار حاکم در تعزیر که به معنای تأدیب است روبه‌رو شدن با مجرم و ملاحظه شخصیت افراد بوده است و اگر به «والی» یا «امام» تعبیر شده است، بدین سبب است که والی و امام در عصر نخست اسلام قاضی نیز بوده است (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲: ۸۹). برخی از نویسندگان معاصر نیز بر این باورند که اگرچه وظیفه مزبور بر عهده حاکمیت جامعه اسلامی (امام و نایب امام)

مطرح شده است استناد می‌کنند^۱ و با تسری این موارد محدود به سایر جرایم به این نتیجه دست یافته‌اند که مجازات‌های تبعی و تکمیلی می‌تواند بر محکومان جرایم حدی و قصاص و به تبع آن‌ها بر جرایم تعزیری نیز تحمیل شوند. بنابراین نمی‌توان شبهه‌ای را در مواد قانونی ۲۳ و ۲۵ ق.م.ا. ایجاد کرد. از دیگر دلایلی که برای اعمال مجازات محرومیت مورد استناد قرار می‌گیرد پاسخگویی به افکار عمومی جامعه است و این یک امر طبیعی است که مجرم پس از تحمل کیفر مدتی کم و بیش در انتظار پذیرش مجدد جامعه به سر برد تا خاطره ناگوار جرم از ذهن جامعه زدوده شود و جامعه آن واقعه مجرمانه را به دست فراموشی بسپارد و آمادگی لازم جهت پذیرش وی را داشته باشد (مشکوری نجفی، ۱۳۵۹: ۲۴).

۲.۲. دلایل انتقادی نسبت به مجازات‌های محرومیت

در مقابل دلایلی که در توجیه اعمال مجازات محرومیت بیان می‌شود، ایراداتی نیز ممکن است بر این کیفر وارد شود که کارایی آن را به طور جدی تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و تردیدهایی را در اثربخشی آن ایجاد می‌کند.

– **عدم توجه به اصل مبنایی کرامت انسانی.** به طور معمول تعیین کیفر از اصولی پیروی می‌کند که ضرورت و فایده‌مندی کیفر را ایجاب و اثربخشی آن در جامعه را تضمین می‌کند. یکی از این اصول حفظ کرامت انسانی (انسانی بودن کیفر) است که اولین بار توسط جان لاک مطرح شد و در آثار کانت مورد تجزیه و تحلیل دقیق فلسفی قرار گرفت؛ به نحوی که وی با طرح نظریه «خودمختاری اخلاقی» کرامت انسانی را حیثیت و ارزشی بیان کرد که همه انسان‌ها به طور ذاتی دارند (Kant, 1984: 96). ضرورت توجه به اصل کرامت انسانی از چنان اهمیتی برخوردار بوده است که در اسناد بین‌المللی (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ و مقدمه منشور سازمان ملل متحد) و قرآن کریم و مقررات داخلی بر آن تأکید شده است.^۲ امروزه اصل پاسخگویی حکمرانان و قانون‌گذاری کرامت‌مدار به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حکمرانی در نظام‌های سیاسی مردم‌سالار اقتضا می‌کند قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان قوانین جزایی کرامت و حیثیت اشخاص، اعم از بزه‌دیده و مجرم، را در سیاست‌گذاری کیفری در نظر بگیرند و به نحوی سیاست‌گذاری کنند که کیفر موجب تضییع ارزش‌ها و حق‌های ذاتی انسان که همان کرامت انسانی است نشود (شیری، ۱۳۹۷: ۴۵۶).

امروزه مجازات‌های محرومیت در برخی از صور و مصادیق آن با نادیده گرفتن اصل کرامت ذاتی موجب می‌شود مجرم شأن و شخصیت و پایگاه اجتماعی خود را از دست بدهد و از آنجا که از طرق مشروع و غیرمشروع اقدام می‌کند و دست به ارتکاب افعال ناهنجار و اعمال جرم‌زا می‌زند. بنابراین ضروری است به عنوان یک جامعه مردم‌سالار و اسلامی (همان‌طور که در سند امنیت قضایی مصوب ۱۳۹۹/۰۷/۲۱ بدان تصریح شده است) در تدوین قوانین ناظر بر کیفر و مجازات به نحوی عمل شود که فرد بزه‌کار فرصت اصلاح و درمان خود را داشته باشد و عزت‌نفس، حق حیات، شغل مناسب، و همه حقوق اولیه و اجتماعی وی حفظ شود تا فرد خود را بخشی از اجتماع و تأثیرگذار بر آن بداند و تلاش کند جایگاه اجتماعی از دست‌رفته خود را بازیابد.

– **عدم توجه به اصل تناسب جرم و مجازات.** تناسب میان جرم و مجازات به معنی سنخیت و هماهنگی و سازگاری بین

است، در حال حاضر، با توجه به ساختار نظام سیاسی کشور، اصل تفکیک قوا، و تفویض قانون‌گذاری به قوه مقننه این وظیفه از اختیارات مجلس شورای اسلامی است (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۲۳۴؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸: ۲۰۸). به نظر می‌رسد این مبنا نسبت به سایر نظرات اقوی و با قواعد حکمرانی دنیای امروز سازگارتر است.

۱. از جمله این مصادیق که فقها به عنوان مجازات تبعی بر آن‌ها تأکید داشته‌اند «حرمت ابدی نکاح»، «عدم قبول شهادت قذف»، «منع از ارث در قتل عمدی»، و «وجوب کفاره در قتل مؤمن» است.

۲. آیین‌نامه شماره ۹۰۰۰/۴۱۱۲۸/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۵ ریاست محترم قوه قضاییه در خصوص حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی در قوه قضاییه. «و لقد کرمتنا بنی آدم و حملنا هم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیّٰ بات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً». (اسری / ۷۰)؛ «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقاکم ان الله علیم الخبیر». (حجرات / ۱۳)؛ در اسلام دو نوع کرامت انسانی مطرح است: اول کرامت ذاتی که در نوع بشر به ودیعه گذاشته شده است و حق حیات شایسته را اقتضا می‌کند (اسری / ۷۰)، دوم کرامت اکتسابی که انسان در پرتو پرهیزکاری آن را به دست می‌آورد (حجرات / ۱۳). اختیار و آزادی ارکان اساسی کرامت انسانی شناخته می‌شوند و جرم‌انگاری به واسطه تحدید این ارکان با کرامت انسانی پیوندی استوار پیدا کرده است؛ به نحوی که می‌توان گفت کرامت انسانی و حقوق کیفری تأثیری دوسویه بر یکدیگر دارند. این تأثیر دوسویه اقتضا می‌کند در موارد ارتکاب جرم، ضمن توجه به حقوق بزه‌دیده و حمایت از وی با استفاده از ابزارهای قانونی (تعیین کیفر)، به کرامت انسانی مرتکبان نیز توجه شود و مجازات نافی آن نباشد.

جرم و مجازات است که بر مبنای نوع و میزان صدمه وارده، اهمیت مطلق و نسبی جرایم، نوع جرم ارتكابی، خصوصیات شخصیتی مجرم و بزه‌دیده تعیین می‌شود (رحیمی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۴۸). این مهم یکی از معیارهای حقوق جنایی اخلاق زیستی محسوب می‌شود و توجه به مؤلفه‌های اخلاقی در نظام حقوق کیفری را در هر دو مرحله جرم‌انگاری و کیفردهی (تعیین مجازات) امری ضروری می‌داند و به عنوان یک امر جهان‌شمول در بسیاری از اسناد بین‌المللی همچون ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، و ماده ۱۴۵ آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی به صورت صریح یا ضمنی مورد تأکید قرار گرفته است (اردبیلی، ۱۳۹۷: ۶۲). در حقوق اسلام نیز، بر مبنای پیش‌گیری از تکرار جرم و اجرای عدالت کیفری، به مقوله تناسب جرم و مجازات توجه خاصی شده است. نگاهی گذرا به مستندات روایی به‌خوبی نشان می‌دهد که حضرت علی (ع) هم به مقتضای شأن امامت و ولایت خود هم به لحاظ شأن حاکم بودن، به مسئله پیش‌گیری از تکرار جرم از طریق مجازات متناسب توجه بسیار داشته است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۵).^۱

با نگاهی به شیوه و گستره مصادیق پیش‌بینی‌شده برای مجازات‌های محرومیت می‌توان دریافت که قانون‌گذار، به‌رغم تأکید حقوق اسلام^۲ و اسناد بین‌المللی بر ضرورت تناسب جرم و مجازات، حداقل در مجازات‌های تبعی توجهی به اصل یادشده نداشته و بدون توجه به چگونگی ارتکاب جرم و وضعیت مجرم و بزه‌دیده اقدام به تعیین کیفر کرده است. مصداق بارز این موضوع محرومیت وکیل یا کارشناسی است که به واسطه اختلافات خانوادگی یا در نتیجه تحریک بزه‌دیده اقدام به ورود آسیب به دیگری می‌کند.

عدم توجه به آموزه‌های جرم‌شناسی بالینی و روان‌شناسی جنایی. جرم‌شناسی بالینی از شاخه‌های کاربردی جرم‌شناسی است که بر مبنای اندیشه‌های بنیان‌گذاران مکتب تحقیقی شکل گرفته و به مطالعه ویژگی‌ها و خصوصیات شخص بزهکار می‌پردازد تا بتواند او را اصلاح و از این طریق از وقوع مجدد جرم توسط او در آینده جلوگیری کند. در حقیقت این نگرش با استفاده از علوم مرتبط به مطالعه فرد بزهکار از همه جوانب جسمی و روانی و اجتماعی می‌پردازد و اصلاح‌پذیری وی را محاسبه می‌کند و نهایتاً به تجویز لازم جهت درمان بیماری بزهکار می‌پردازد (صلاحی، ۱۳۹۱: ۵). برای تحقق اهداف یادشده از اصولی چون مطالعه روی فرد بزهکار، ارزیابی شخصیت وی، و بررسی راهکارهای احتمالی اصلاح و درمان استفاده می‌کند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۴۱). در حقیقت به‌کارگیری آموزه‌های این علوم قاضی کیفری را قادر می‌سازد تا از خصوصیات متهم اطلاع یابد و علاوه بر پرونده جنایی پرونده شخصیت مرتکب را نیز بررسی و حکمی متناسب صادر کند (نجفی ابرنآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۵: ۴۵).

در مجازات‌های تبعی به عنوان یکی از صور و مصادیق محرومیت از حقوق اجتماعی به آموزه‌های جرم‌شناسی بالینی و روان‌شناسی جنایی (لزوم توجه به شخصیت مرتکب و نحوه ارتکاب جرم) توجه نشده است.^۳ این در حالی است که در مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری به طور صریح و در بندهای «الف» و «ت» ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی با مکلف کردن

۱. نقل شده است حضرت علی(ع) پس از ورود ضربت به سر ایشان به امام حسین(ع) فرمودند: «اگر زنده ماندم ... اگر مردم، تکلیف او با شماست. اگر خواستید او را بکشید، اما مثل‌هاش نکنید».

۲. آیات ذیل که در متون تفسیری از آن به عنوان قانون مماثلت تعبیر شده است از سوی برخی از مفسران به عنوان مستند فقهی اصل تناسب جرم و مجازات شناخته شده است:

آیه ۴۰ سوره شورا: «و جزاء سیئه سیئه مثلها؛ کیفر بدی مجازاتی است همانند آن» (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۲۰: ۱۹۴).
آیه ۱۹۴ سوره بقره: «فمن اعتدى علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدى علیکم؛ هر کس به شما تجاوز کرد همانند او به وی تعدی کنید» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۳).

آیه ۲۷ سوره یونس: «و الذین کسبوا السیئات جزاء سیئه بمثلها؛ و کسانی که مرتکب اعمال بد شدند به همان میزان مجازات شوند» (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۴: ۳۷۱).
۳. در مجازات تکمیلی برخلاف مجازات تبعی شخصیت مرتکب و شرایط ارتکاب جرم در زمان تعیین مجازات مورد توجه قرار می‌گیرد و بر این اساس اقدام به تعیین مصادیقی از محرومیت می‌شود؛ در حالی که در مجازات تبعی موارد گسترده‌ای از محرومیت بدون توجه به شرایط ارتکاب جرم و بدون دخالت قاضی رسیدگی‌کننده بر مرتکب تحمیل می‌شود. این تفاوت بیانگر آن است که نفس مجازات محرومیت با ایراد عدم توجه به آموزه‌های جرم‌شناسی بالینی مواجه نیست و ایراد یادشده صرفاً ناظر به مجازات‌های تبعی است که فارغ از شرایط ارتکاب جرم به صورت یک کل تجزیه‌ناپذیر به فرد مرتکب تحمیل می‌شود.

دادگاه به بررسی «انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم» و «سوابق و وضعیت فردی و خانوادگی و اجتماعی مرتکب»، به طور ضمنی، بر ضرورت و اهمیت تشکیل پرونده شخصیت و توجه به آموزه‌های این علوم تأکید شده است.

– فقدان جایگاه شرعی برای اعمال مجازات محرومیت در خصوص مجازات‌های حدی. آنچه در مورد مجازات‌های حدی مورد اجماع حقوقدانان و فقها قرار دارد این امر بوده که نوع و میزان و نحوه اجرای عقوبت در آن‌ها در شریعت اسلام مشخص شده و در محدوده‌های معین محصور است. بنابراین حاکم شرع نمی‌تواند از آن محدوده پا را فراتر نهد یا کوتاهی کند (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۲۰۷). همچنین بر مبنای قاعده شرعی «التعزیر فی کل معصیه» تعزیر مخصوص گناهی است که حد ندارد و این مطلب مورد اتفاق فقهای امامیه است (خمینی، ۱۳۷۹: ج ۲، ۴۸۲؛ حلبی، ۱۴۰۳: ۴۱۷). بنابراین با توجه به تعیین دقیق کیفر از ناحیه شارع مقدس از یک سو و عدم امکان اعمال تعزیر در جرایم حدی از سوی دیگر، تعیین مجازات‌های تبعی و تکمیلی (با توجه به ماهیت تعزیری آن‌ها) نسبت به جرایم موجب حدود شرعی جایگاهی ندارد و اعمال آن به عنوان تشدید کیفر بر مرتکبان شایسته نخواهد بود.

– مغایرت با اصل بزه‌پوشی جرایم حدی و برچسب‌زنی. سیاست کیفری در اسلام در خصوص حدود شرعی به دلایلی چون جلوگیری از برچسب خوردن به افراد و حفظ کرامت انسانی آن‌ها و همچنین مصون ماندن جامعه از عادی شدن جرایم حدی رویکرد بزه‌پوشی و تحمل مجازات‌های سخت را پیش‌بینی کرده است (متولی‌زاده نایینی و حسینی، ۱۳۹۱: ۲۰). در واقع در دین اسلام به خودداری از تهمت، تجسس، سرزنش، به کار بردن لقب‌های زشت، و اهانت کردن به افراد برای جلوگیری از انگ خوردن فرد و لکه‌دار شدن آبروی او توصیه اکید شده است (عدالت‌جو و جعفرپور، ۱۳۹۳: ۱۷ – ۳۷). بنابراین، هدف جلوگیری از افشا و اشاعه جرایم منافی عفت در جامعه اقتضا می‌کند از گسترش اخبار مربوط به ارتکاب این جرایم (حتی در فرض اثبات) نیز جلوگیری شود. زیرا گسترش این اخبار موجب ترویج چنین رفتارهایی در جامعه و از بین رفتن قبح اجتماعی آن‌ها خواهد بود.

از سوی دیگر، اگرچه افراد با ارتکاب جرم برچسب مجرم، بزهکار، و ... را از سوی جامعه دریافت می‌کنند، که نتیجه تخطی آن‌هاست، با تحمیل مجازات محرومیت (طرد شدن) خود را فاقد جایگاه اجتماعی احساس خواهند کرد؛ امری که نتیجه آن چیزی جز پذیرش برچسب از سوی فرد و آفرینش یک منحرف حرفه‌ای نخواهد بود. به عبارتی، با فقدان جایگاه اجتماعی برای مرتکب، فرد تلاشی برای اصلاح خود نمی‌کند و با گذشت زمان برچسب مجرم و بزهکار را می‌پذیرد و تصویر جدیدی از خود می‌سازد و رفتارهایی متناسب با آن را شروع می‌کند (ستوده، ۱۳۸۴: ۱۵۱). در حقیقت مجرم با قرار گرفتن در یک چرخه نادرست، دائم، از سوی جامعه طرد و تحقیر می‌شود و هویت مجرمانه‌اش نقش ژرف‌تری به خود می‌گیرد و به ارتکاب جرم در ابعاد گسترده‌تر روی خواهد آورد و در نهایت به «بزهکاری پایدار» تبدیل خواهد شد (رستمی تبریزی و محتشمی، ۱۳۹۲: ۸۳). بنابراین به نظر می‌رسد محرومیت اشخاص از حقوق خود پس از تحمل کیفر اصلی شیوه درستی نباشد و به نحوی غیر مستقیم مغایر با تأکید بر بزه‌پوشی و منع برچسب‌زنی تلقی می‌شود.

– عدم توجه به فلسفه مجازات در حقوق اسلام. مراد از فلسفه مجازات چرایی و اهدافی است که مقنن با اعمال کیفر درصدد دستیابی بدان است. فلسفه مجازات در تاریخ اندیشه و عمل انسان مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است؛ به نحوی که گاه انتقام‌جویی بزه‌دیده، گاه اعمال کیفر و سزا دادن مرتکب، و زمانی نیز رسیدن به اهدافی در جامعه و فرد مجرم مورد توجه بوده است. به طور کلی، دو دیدگاه در مورد فلسفه مجازات میان حقوقدانان و فلاسفه حقوق وجود دارد.

- نخست دیدگاه مبتنی بر سزادهی است که لزوم کیفر را نه تنها در فایده‌مندی آن بلکه در عدالت و انصاف جست‌وجو می‌کند و هدف اصلی مجازات را ایجاد عدالت و بازسازی نظم اخلاقی مختل شده در جامعه از طریق کیفر دادن به مجرم می‌داند (قیاسی و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۵۱).

- دوم دیدگاه سودگرایانه است که بر اساس آن قانون‌گذار باید با توجه به منافع عمومی و محاسبه مصالح و مفاسد به وضع قانون بپردازد و برای هر نوع خاص از جرایم مجازات متناسب با آن را وضع کند. در این دیدگاه جهت‌گیری کلی مجازات تنبیه صرف و سزادهی نیست و جنبه اصلاحی و درمانی نیز از جمله کارکردها اساسی آن محسوب می‌شود (نوربها، ۱۳۸۵: ۳۶۰؛ فرج‌الهی، ۱۳۸۹: ۳۶۷).

در حقوق اسلامی، هیچ‌یک از دو رویکرد فوق به‌تنهایی کافی دانسته نشده و رویکردی ترکیبی و تلفیقی (سزاگرا و سودگرا) اتخاذ شده است؛ به نحوی که به‌رغم توجه به استحقاق مجازات مرتکب به آثار و نتایج فردی و اجتماعی حاصل از مجازات و تأثیر اجرای آن بر حیات مادی و معنوی انسان‌ها نیز نظر دارد و یکی از علل اصلی جعل احکام قضایی را بازدارندگی مجرمان از تکرار جرم می‌داند.^۱ بنابراین از منظر اسلامی، بیش از زجر و تعذیب مجرم و تشفی خاطر اولیای دم، بازاجتماعی کردن مجرمان و اصلاح آن‌ها مورد توجه بوده است. زیرا اگر هدف صرفاً انتقام از مجرم بود بی‌شک با توجه به اعتقاد به جهان واپسین در آن جهان امکان اجرای عادلانه‌ترین مکافات‌ها وجود دارد (گرجی، ۱۳۸۱: ۶). این در حالی است که مجازات محرومیت حداقل در برخی از مصادیق آن (مجازات‌های تبعی و اصلی) با ایجاد شرایط دشوار برای مرتکب و به نوعی طرد وی از جامعه فرصت اصلاح و بازاجتماعی شدن را از مرتکب سلب می‌کند.

عدم توجه به نحوه اعمال مجازات محرومیت در کشورهای دیگر. مجازات محرومیت (تبعی و تکمیلی) از جمله نهادهای حقوقی هستند که چندان مورد توجه حقوق دانان نبوده و قانون‌گذار تحت تأثیر حقوق سایر کشورها (حقوق فرانسه و انگلیس) و اقتباس از آن‌ها این مفاهیم را در مواد قانونی گنجانده است. نگاهی اجمالی به نحوه عملکرد و اجرای مجازات محرومیت در کشورهایی که این مجازات از آن‌ها اقتباس شده به‌وضوح حکایت از آن دارد که قانون‌گذار ما به صورت گسترده و بدون توجه به نیازهای قضایی و امکانات اجرایی لازم در خصوص مجازات محرومیت عمل کرده است (همایی چراغی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۷). مجازات محرومیت در حقوق انگلستان بر اساس قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ مقرر شده است و این قانون مصادیقی از مجازات‌های انتخابی ترکیبی را در اختیار قاضی قرار داده تا متناسب با هر فرد بزهکاری اتخاذ تصمیم کند (هانگر فورد ولج، ۲۰۰۹: ۶۶۲). در ماده ۴۷ قانون یادشده مصادیقی به عنوان موارد محرومیت بیان شده است. نگاهی کوتاه به این مصادیق (مقرر کار مجانی، مقرر فعالیت‌های ممنوعه، مقرر محدودیت رفت‌وآمد در ساعت معین، مقرر ممنوعیت ورود در برخی اماکن، مقرر درمانی سلامت روانی، و ...) نشان می‌دهد قانون نظام عدالت کیفری انگلیس بیشتر مجرم را ملزم به انجام دادن کارهای مفید و پیش‌گیرانه می‌کند تا از تکرار جرم جلوگیری شود. در حقیقت در نظام حقوقی کیفری انگلیس مجازات‌ها را به نحوی دیده‌اند که انگیزه مجرم برای تکرار جرم را کم کنند.

در حقوق فرانسه نیز به استناد اصل شخصی کردن مجازات‌ها اجرای مجازات‌های موازی از جمله مجازات‌های تبعی ممنوع شده است. زیرا مجازات تبعی مجازاتی نسنجیده است که بدون ملاحظه وضعیت شخصی مجرم به اجرا درمی‌آید (آشوری، ۱۳۸۳: ۲۹۳). در اصلاحات انجام‌شده در قانون مجازات عمومی فرانسه به موجب ماده ۱۷-۱۳۲ نحوه اعمال مجازات‌های تبعی تغییر کرده و به لزوم تصریح مجازات در حکم صادره تصریح شده است.^۲ به نظر می‌رسد قانون جدید فرانسه با الهام از مبانی جرم‌شناسی و متأثر از دیدگاه‌های بین‌المللی در جهت تضمین یک دادرسی عادلانه و انسانی کردن مجازات‌ها و حفظ حقوق متهم گام برداشته است (کوشا و شاملو، ۱۳۷۶: ۳۳۴).^۳

۱. این امر از روایاتی که نقل شده قابل برداشت است:

سارقی را نزد پیامبر(ص) آوردند. پس از اجرای حد بر او، پیامبر فرمود: «به سوی خداوند متعال توبه کن و برگردد.» آن مرد گفت: «به سوی پروردگار توبه کردم.» پیامبر فرمود: «خداوند متعال نیز توبه تو را پذیرفت.» (بی‌هقی، بی‌تا، ج ۸: ۲۷۶).

در روایتی دیگر نقل شده است که امام علی(ع) پس از اجرای حکم قطع دست سارقان به غلام خود فرمودند: «پشان را در نزد خود نگه دار و جراحت‌های آن‌ها را مداوا کن و به نیکی از آنان پذیرایی کن و هرگاه که بهبودی حاصل شده مرا خبر کن.» پس از بهبودی امام به غلام خود دستور دادند بر آن‌ها لباس ببوشانند و از سارقان خواست توبه کنند و آن‌ها نیز توبه کردند. سپس امام به غلام خود فرمود: «آن‌ها را آزاد کن و به هر یک به اندازه‌ای بده که به شهر خود برسند.» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰: ۱۲۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸: ۳۰۱).

۲. ماده ۱۷-۱۳۲ مقرر می‌کند: «هیچ مجازاتی به مرحله اجرا گذاشته نمی‌شود مگر اینکه مرجع قضایی آن را صراحتاً مورد حکم قرار داده باشد. مراجع قضایی فقط مجازات قانونی جرم را که نزد آن‌ها مطرح است مورد حکم قرار می‌دهند.»

۳. تشریح رویکرد اتخاذی در سایر کشورها درباره مجازات‌های تبعی به عنوان یکی از مصادیق مجازات محرومیت که بدون ملاحظه وضعیت شخصی مرتکب و نحوه ارتکاب جرم مورد حکم قرار می‌گیرد بیانگر آن است که ناکارآمدی این مصداق از مجازات محرومیت امری جهان‌شمول است. گفتنی است هدف از بیان مطالب یادشده به‌هیچ‌وجه تسری سبک و شیوه قانون‌گذاری سایر کشورها به حقوق ایران نیست. زیرا با وجود اختلاف میان مبانی حقوق خارجی با حقوق ایران که متأثر از مبانی شرعی و فقهی است چنین اقدامی شایسته نخواهد بود.

۳. بررسی و تحلیل دلایل و استدلال‌ها

هر یک نظرات موافق و مخالف مجازات محرومیت با استناد به دلایلی که اشاره شد درصدد توجیه آن است. بررسی دلایل بیان شده حکایت از آن دارد که به‌رغم توجیهاات بیان‌شده، هر یک از این نظرات از جهاتی صحیح و از جهاتی قابل تأمل است.

- استدلال موافقان مبنی بر آن که مجازات‌های محرومیت به عنوان نوعی مجازات توان‌گیر از تکرار جرم و قرارگیری مجرم در وضعیت خطرناک جلوگیری می‌کند منطقی و عقلایی است و قابل خدشه و ایراد نیست. زیرا انتخاب و اعمال مواردی از مصادیق محرومیت با لحاظ شدن وضعیت مرتکب و توجه به پرونده شخصی وی که مبتنی بر علم روان‌شناسی جنایی^۱ و جرم‌شناسی بالینی است از قرار گرفتن مجرم در وضعیت‌های مستعد برای ارتکاب جرم جلوگیری می‌کند و مانع تکرار جرم می‌شود. به عبارتی این مجازات به عنوان یک رویکرد واکنشی پیش‌گیرانه^۲ (پیش‌گیری کیفی نه انتظامی) با به‌کارگیری ابزارهای حقوق کیفری (ارباب، ناتوان‌سازی، بازپروری) درصدد پیش‌گیری از ارتکاب مجدد جرایم و افزایش مطلوبیت و بهره‌وری مجازات‌هاست.

- از یک سو، استدلال موافقان مبنی بر اختیار حکومت اسلامی (قوه مقننه) در جرم‌انگاری و تعیین کیفرهای محرومیت از حقوق اجتماعی امری قطعی و غیر قابل انکار است. از سوی دیگر، اظهار مخالفان مبنی بر فقدان جایگاه شرعی برای اعمال مجازات محرومیت در جرایم حدی نیز صحیح است و استناد موافقان به فتاوی فقها و موارد تصریح‌شده در شرع مانند «حرمت ابدی نکاح»، «عدم قبول شهادت قذف»، و تعمیم این موارد به سایر مجازات‌های حدی امری ناروا است. زیرا مجازات‌های حدی مجازات‌هایی هستند که نوع و میزان عقوبت برای آن‌ها در شریعت اسلام مشخص شده است و حاکم شرع نمی‌تواند از آن محدوده پا را فراتر نهد یا کوتاهی کند. در نتیجه به دلیل تعیین دقیق مجازات جرایم حدی از ناحیه شارع مقدس تعیین مجازات‌های فرعی (تبعی و تکمیلی) به جهت هدفی چون عدم تکرار جرم توسط مرتکب یا هر علت دیگری جایگاه شرعی ندارد و مغایر اصول حاکم بر مجازات‌هاست. اما در سایر موارد (قصاص، تعزیرات) با توجه به حاکمیت قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم» تعیین مجازات محرومیت فاقد اشکال است.

- اگرچه بر مبنای قاعده فقهی «التعزیر بما یراه الحاکم» حاکم اسلامی (قوه مقننه) در جرم‌انگاری و تعیین کیفر محرومیت دارای اختیار است، اختیار یادشده مطلق نیست و رعایت اصول و معیارهای جرم‌انگاری، از جمله پرهیز از تصویب قوانین مبهم و رعایت تناسب ضمانت اجرای کیفری با جرم، امری ضروری است. از سوی دیگر، مطالعه مصادیق فقهی کیفرهای محرومیت مانند ممنوعیت از ارث در قتل و ممنوعیت از شهادت در قذف بیانگر آن است که توجه به تناسب بین نوع جرم ارتكابی با مجازات تعیین‌شده مورد توجه شارع نیز بوده است و شارع مقدس صرفاً به صورت محدود و متناسب با نوع رفتار مجرمانه اقدام به تحمیل مجازات تبعی بر مرتکب کرده است. بنابراین با وحدت ملاک از عملکرد شارع و قدر متیقن از موارد بیان‌شده در فقه می‌توان به این امر اذعان داشت که اعمال مصادیقی گسترده و غیر مرتبط با جرم امری ناصواب و برخلاف رویکرد فقهی و اصولی است.

- مطالعه در قوانین موجود حاکی از آن است که قانون‌گذار در تدوین کیفر محرومیت رویکردهای متفاوتی را اتخاذ کرده است؛ به نحوی که در مجازات‌های تکمیلی به عنوان یکی از مصادیق مجازات محرومیت قاضی مکلف شده است متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات فرد مرتکب مجرم را به یک یا چند مورد از موارد احصاشده در قانون محکوم کند. در حالی که در مجازات تبعی و اصلی به عنوان مصادیق دیگر اعمال مجازات محرومیت، بدون توجه به نحوه ارتکاب جرم و خصوصیات فرد مجرم، مصادیق گسترده‌ای از حقوق فرد مرتکب به طور کلی و مطلق از وی سلب می‌شود. به نظر می‌رسد با اتخاذ چنین رویکردی‌های متفاوتی نتایج یکسانی از اجرای این مجازات‌ها حاصل نخواهد شد.

- انطباق ایرادات وارده با مصادیق تبیین‌شده برای کیفر محرومیت از حقوق اجتماعی حاکی از آن است که در مجازات‌های

۱. روان‌شناسی جنایی یکی از شاخه‌های رشته روان‌شناسی است که با مطالعه شخصیت بزه‌کاران و علل و موجبات بروز جرم، خاصه عوامل روانی جرم‌زا، به پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان و بازاجتماعی کردن آنان می‌پردازد که می‌توان آن را «مطالعه علمی رفتار جنایی و فرآیندهای ذهنی‌ای که در ارتکاب جرم نقش دارد» تعریف کرد.

۲. پیش‌گیری واکنشی به مجموعه اعمالی گفته می‌شود که بعد از ارتکاب جرم انجام می‌شود تا باعث کاهش جرم یا جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم شود.

تکمیلی با وجود تکلیف قاضی در توجه به وضعیت و خصوصیات فرد مرتکب، بدون شک، اهداف بیان شده برای کیفر محرومیت (اصلاح و بازاجتماعی شدن مرتکب) تأمین می‌شود و از قرارگیری مجرم در وضعیت خطرناک و مجرمانه جلوگیری به عمل می‌آید. همچنین شرط یادشده موجب می‌شود قاضی در گزینش موارد محرومیت از اختیار تام برخوردار باشد و بتواند با انتخابی شایسته، ضمن حفظ کرامت انسانی مرتکب، جهت رعایت اصل تناسب جرم و مجازات و فلسفه مجازات در حقوق اسلام و آموزه‌های جرم‌شناسی بالینی و روان‌شناسی جنایی گام بردارد. اما بالعکس در مجازات‌های تبعی و اصلی اتخاذ شیوه متفاوت (عدم تکلیف و اختیار قاضی در تعیین موارد محرومیت) موجب قرار گرفتن مجرم در وضعیتی منفعل و ناکارآمد شده است که نتیجه چنین امری برخورد و تسری ایرادات و نقدهای وارده در این موارد و عدم تحقق هدف اصلاح و بازاجتماعی شدن مرتکب بوده است. فرض کنید فرد فاقد هر گونه سابقه محکومیت و دارای شخصیتی سازنده و مطیع که به شغل سردبیری یک مجله مشغول کار است در معابر عمومی مورد حمله یک فرد زورگیر یا سارق قرار می‌گیرد و با وی درگیر می‌شود و با استفاده از تکه چوبی که در محل می‌یابد ضربه‌ای به او وارد می‌کند که منجر به جراحت بیش از نصف دیه کامل بر فرد سارق می‌شود. با توجه به عدم تناسب دفاع با حمله و ضربه وارده، به حکم ضرب و جرح عمدی، به قصاص عضو محکوم می‌شود. حال سؤال اینجاست محرومیت سه‌ساله این فرد از همه حقوق اجتماعی از جمله شغلی که سال‌ها در آن فعالیت داشته و هیچ ارتباطی با جرم ارتكابی ندارد چه تأثیری بر زندگی او خواهد داشت. بدون شک دادن نقشی منفعل و ناکارآمد به این فرد برای مدت سه سال که حاصل اعمال مجازات‌های تبعی مندرج در ماده ۲۶ ق.م.ا. است نتیجه‌ای معکوس دارد و نه تنها از تکرار جرم جلوگیری نمی‌کند، بلکه بیشتر فرد را در معرض خطر ورود به مسیر مجرمانه قرار خواهد داد. همچنین گاه افراد به واسطه حجم مشکلاتی که با آن روبه‌رو هستند و در اثر فشارهای روانی ناشی از آن‌ها برخلاف میل باطنی ناچار تن به ارتکاب جرم می‌دهند و پس از دستگیری و تحمل کیفر متنبه می‌شوند و تلاش می‌کنند با احترام به قانون درصدد جبران عمل خود برآیند. اما وقتی به واسطه اعمال مجازات محرومیت بدین شکل و گستردگی (محرومیت از حقوق به طور کامل یادشده در ماده ۲۶) برای مدت مدیدی هیچ جایگاهی در جامعه نداشته باشند و نتوانند به شیوه صحیح و قانونی کسب درآمد کنند و حیثیت از دست‌رفته خود را بازیابند، بی‌تردید به سمت ارتکاب مجدد جرم کشیده خواهند شد.

- مجازات محرومیت به عنوان نتیجه نگاه فایده‌گرایان به کیفر، ذاتاً و بالاصاله، مجازاتی مناسب و کارآمد محسوب می‌شود که با کاهش توان مجرم و جلوگیری از قرار گرفتن وی در موقعیت خطرناک و جرم‌زا می‌تواند راهکاری مناسب برای جلوگیری از تکرار جرم و کمک به بازاجتماعی شدن مجرم باشد. اما شیوه اعمال این مجازات و برخورد دوگانه قانون‌گذار در مواد ۲۳ و ۲۵ ق.م.ا. موجب شده اهدافی که از اجرای کیفر محرومیت مورد نظر بوده است صرفاً در موارد مجازات تکمیلی محقق شود و در سایر مصادیق این کیفر (مجازات‌های تبعی و اصلی) نتایج مورد انتظار حاصل نشود. بنابراین سیاست تقنینی و اتخاذی در خصوص مجازات تبعی و اصلی به عنوان یکی از مصادیق و شاخه‌های مجازات محرومیت با هدف بازاجتماعی کردن بزهکاران، که از موضوعات مهم سیاست جنایی اکثر نظام‌های کیفری است و بنیان آن نیز در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی بیان شده، مغایرت دارد و انجام دادن اصلاحاتی اساسی در این خصوص می‌تواند نقص و ناکارآمدی آن را از بین ببرد و به اجرای صحیح مجازات محرومیت به عنوان یک مجازات کارآمد کمک کند.

نتیجه

مجازات‌های محرومیت از حقوق اجتماعی نوعی مجازات توان‌گیر و خنثی‌ساز محسوب می‌شود که از تکرار جرم و قرارگیری مجرم در وضعیت خطرناک جلوگیری می‌کند. این مجازات اصالتاً و ماهیتاً یک مجازات مؤثر و کارآمد محسوب می‌شود. در قانون مجازات اسلامی نسبت به مجازات محرومیت رویکرد واحدی اتخاذ نشده است؛ بدین نحو که در مواردی چون مجازات‌های تکمیلی به لزوم توجه قاضی به تناسب جرم با نوع و مصداق مجازات تصریح شده و مصادیق کمتری برای موارد محرومیت پیش‌بینی شده است. اما، در مجازات‌های تبعی محرومیت، قاضی در اعمال مجازات دخالتی ندارد و به صرف وقوع جرایم موضوع ماده ۲۵ ق.م.ا. گستره‌ای از حقوق اجتماعی بدون توجه به شرایط ارتکاب جرم و شخصیت مرتکب از وی سلب می‌شود. این دوگانگی در قانون آثار زیان‌باری به همراه دارد و موجب شده است در مجازات‌های تبعی و گاه اصلی اهداف یادشده برای مجازات

محرومیت (جلوگیری از تکرار جرم و سلب توان مرتکب) محقق نشود و مرتکب در وضعیتی نامناسب و منفعل قرار گیرد و نتواند به شیوه‌ای مشروع و قانونی حیثیت از دست‌رفته خود را بازیابد. بنابراین توجه به این امر ضروری است که نقض قانون مجوزی برای آزادی عمل مجریان و نهادهای عدالت کیفری در ارائه هر واکنشی در برابر رفتار نقض‌کنندگان قانون نیست و عکس‌العمل (سزادهی) باید مبتنی بر یک عملکرد کرامت‌مدار باشد.

به نظر می‌رسد دلیل اصلی نقدهای وارده بر مجازات محرومیت برخورد دوگانه و توجیه‌ناپذیر قانون‌گذار است که می‌توان با انجام دادن اصلاحات و تغییراتی ایرادات بیان‌شده را جبران کرد و انتقادات وارده را به حداقل رساند. بنابراین پیشنهاد می‌شود:

- اعمال مجازات‌های محرومیت (اعم از تبعی یا تکمیلی) در جرایم حدی حذف شود و اعمال این مجازات صرفاً در جرایم تعزیری مورد توجه قرار گیرد. زیرا با توجه به اینکه نوع و میزان عقوبت در جرایم حدی در شریعت اسلام مشخص است تحمیل مجازات‌های فرعی (تبعی و تکمیلی) در این جرایم جایگاهی شرعی ندارد.
- مصادیق پیش‌بینی‌شده برای موارد محرومیت بسیار گسترده و شدید است و اعمال آن نتیجه‌ای جز دادن نقشی منفعل به مرتکب و ناکارآمدی مجازات محرومیت نخواهد داشت. بنابراین پیشنهاد می‌شود همانند سایر کشورهای پیش‌گام در این خصوص اقدام شود و مصادیق پیش‌بینی‌شده در قانون مجازات در جهت اصلاح و بازاجتماعی کردن مرتکب بازنگری شود و موارد این مصادیق نیز تا حد امکان کاهش یابد؛ به نحوی که کرامت ذاتی فرد مرتکب حفظ شود و وی بتواند به صورت قانونی و شرعی حیثیت از دست‌رفته خود را بازیابد.
- پیشنهاد می‌شود نهاد مجازات‌های تبعی، که یکی از شیوه‌های اعمال مجازات محرومیت است، به طور کلی حذف شود و قضات صرفاً بر مبنای مجازات‌های تکمیلی اقدام به تأدیب و بازاجتماعی کردن مرتکب کنند. زیرا با توجه به اختیار قاضی و ضرورت تناسب بین جرم و مجازات در این شیوه بسیار بهتر می‌توان به حفظ کرامت انسانی و هدف متعالی مجازات که همان اصلاح افراد خطاکار و بازگرداندن آن‌ها به جامعه است دست یافت.

منابع

- آشوری، محمد (۱۳۸۳). *آیین دادرسی کیفری*. ج ۸. تهران: سمت. ج ۱.
- ابن ادریس (۱۴۱۰). *السرائر*. ج ۲. قم: جامعه مدرسین.
- اردبیلی، احمد (۱۴۱۲). *مجمع الفوائدی و البرهان*. قم: جامعه مدرسین. ج ۳.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۷). *حقوق جزای عمومی*. تهران: مجد.
- _____ (۱۳۹۷). *کلیات حقوق جزا*. تهران: میزان.
- بیهقی، ابوبکر (بی تا). *السنن الکبری*. ج ۳. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- حاجی تبار فیروزجایی، حسن (۱۳۸۷). جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران (حال و آینده). *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۶۴، ۶۷-۸۸.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل بیت (ع).
- حلبی، ابوصلاح (۱۴۰۳). *الکافی فی الفقه*. اصفهان: مکتبه الامام امیر المؤمنین (ع).
- خالقی، ابوالفتح (۱۳۸۰). مبانی نظری و جایگاه علمی محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی به عنوان جایگزین کیفر سالب آزادی. *رساله دکتری*. رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس.
- دانش‌پژوه، وهاب (۱۳۷۸). محرومیت از حقوق اجتماعی در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشگاه امام صادق (ع).
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۸). *درآمدی بر جرم‌شناسی*. ج ۴. تهران: سمت.
- رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷). *کرامت انسانی در حقوق کیفری*. تهران: میزان.
- رستمی تبریزی، لمیاء و محتشمی، ندا (۱۳۹۲). نظریه تعامل‌گرایی و تحلیل انتقادی آن. *مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره ۵، شماره ۲، ۶۰-۱۰۳.
- رهامی، محسن (۱۳۸۰). ماهیت، آثار، و مبانی شرعی مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی. *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، دوره ۲، شماره ۱۱، ۵-۳۰.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۴). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*. ج ۱۳. تهران: آوای نور.
- شهید ثانی (۱۴۱۰). *الروضة البهیة (شرح لمعه)*. قم: داوری. ج ۹.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). *تهذیب الاحکام*. ج ۴. تهران: دار الکتب الاسلامیه. ج ۱۰.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷). *الخلافا*. قم: نشر اسلامی. ج ۵.
- شیری، عباس (۱۳۹۷). *دانشنامه جرم‌شناسی محکومان*. تهران: میران.
- صبری، نورمحمد (۱۳۸۳). *درآمدی بر روش تحقیق در حقوق*. ج ۲. تهران: میزان.
- صلاحی، جاوید (۱۳۹۱). *اساس و مبانی جرم‌شناسی*. تهران: جنگل.
- عدالت‌جو، اعظم و جعفرپور صادق، الهام (۱۳۹۳). بزه‌پوشی و تأثیر آن در پیش‌گیری از انحراف ثانویه. *تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل*، شماره ۲۳، ۱۷-۳۷.
- غلامی، حسین (۱۳۸۲). *تکرار جرم*. تهران: میزان.
- فرج‌اللهی، رضا (۱۳۸۹). *جرم‌شناسی و مسئولیت کیفری*. تهران: میزان.
- فضل‌الله، سید محمدحسین (۱۴۱۹). *تفسیر من وحی القرآن*. بیروت: دار الملائک.
- قیاسی، جلال‌الدین؛ خسروشاهی، قدرت‌الله و دهقان، حمید (۱۳۸۵). *مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی (اسلام و حقوق موضوعه)*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج ۱.
- کاشانی، فتح‌الله (۱۳۳۶). *تفسیر منهج الصادقین*. تهران: کتاب‌فروشی علمی.

- کاوادینو، دیگنان (۱۳۸۵). توجیه یا دلیل آوری برای مجازات. مترجم: علی صفاری. تحقیقات حقوقی، شماره ۴۲، ۲۸۷ - ۳۲۴.
- کوشا، جعفر و شاملو، باقر (۱۳۷۶). نوآوری های حقوق جزای جدید فرانسه. تحقیقات حقوقی، شماره ۱۹ - ۲۰.
- گرچی، ابوالقاسم (۱۳۸۱). حدود، تعزیرات، و قصاص. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۹). محشای قانون مجازات اسلامی. ج ۱۳. تهران: مجد.
- متولی زاده نائینی، نفیسه و حسینی، محمد (۱۳۹۱). بررسی نظریه برچسب زنی با نگاه به منابع اسلامی. مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۴، ۱۱۷ - ۱۳۶.
- مجلسی، شیخ محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. ج ۲. تهران: مؤسسه وفاء. ج ۶ و ۴۲.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۵). قواعد فقه (بخش جزایی). ج ۶. تهران: مرکز نشر اسلامی.
- مشکوری نجفی، احمد (۱۳۵۹). بررسی تطبیقی کیفرهای تبعی و تکمیلی در حقوق ایران و فرانسه. رساله دکتری. رشته حقوق کیفری و جرم شناسی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۹). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی. ج ۲.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۹۵). دانشنامه جرم شناسی. ج ۱۳. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۳). علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری). تهران: سمت.
- نجفی، شیخ محمدحسن (۱۴۲۳). جواهر الکلام. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ج ۴۱.
- نوربها، رضا (۱۳۸۵). زمینه حقوق جزای عمومی. ج ۱۷. تهران: گنج دانش.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۷). بایسته های فقه جزا. تهران: میزان.
- همایی چراغی، پیمان؛ حبیبی تبار، حسین و قیوم زاده، محمود (۱۳۹۸). بررسی کرامت ذاتی انسان در مجازات های محرومیت از حقوق اجتماعی. تعالی حقوق، شماره ۳، ۲۲ - ۶۰.
- Ardebily, A. (1991). *Majmae al-favaed al-borhan*. Qom: Jamee modaresin Publications. (in Arabic)
- Ardebily, M.A. (2008). *General criminal law*. Tehran: Majd publications. Vol. 1. (in Persian)
- (2018). *General criminal law*. 1nd edition. Tehran: Mizan Publications. (in Persian)
- Ashory, M. (2004). *Criminal procedure*. 8nd edition. Tehran: Samt Publications. Vol. 1. (in Persian)
- Bihaghi, A. (2003). *Alsonan al-kobra*. 3nd edition. Beirut: Publisher of Al-Kutub Al-Elamiya books. (in Arabic)
- Danesh Pajo, V. (1999). Deprivation of social rights in Iranian criminal law and Imami jurisprudence. *Master's thesis*. Criminal law and criminology of Imam Sadegh University. (in Persian)
- Ebn-edrise (1989). *Al-saraer*. 2nd edition. Qom: Jamee modaresin Publications. (in Arabic)
- Edalatjo, A. & Jafar-Por Sadegh, E. (2014). Dressing and its effect in preventing secondary deviation. *Iranian and International Comparative Legal Research Journal*, (23), 17-37. (in Persian)
- Faraj al-lahi, R. (2010). *Criminology and criminal liability*. Tehran: Mizan Publications. Vol. 1. (in Persian)
- Fazl al-lah, S. M.H. (1998). *Tafsir men vahi al-ghoran*. Beirut: dar al-malaek Publications. (in Arabic)
- Ghiasi, J., Khosroshahi, Gh., & Dehghan, H. (2006). *Comparative study of general criminal law*. 2nd edition. Qom: Publications of the research institute of the field and the university. Vol. 1. (in Persian)
- Gholami, H. (2003). *Recidivism*. Tehran: Mizan Publications. (in Persian)
- Goldoziyan, E. (2010). *An example of the Islamic Penal Code*. 13nd edition. Tehran: Majd publications. (in Persian)
- Gorgy, A. (2002). *Hodoud and Taezirat and Qesas*. Tehran: University of Tehran Publishing and Printing Institute. Vol. 1. (in Persian)
- Haji-Tabar Firoze-Jayi, H (2008). The position of alternatives to imprisonment in the criminal justice system of Iran. *Legal Journal of Justice*, 64, 67-88. (in Persian)
- Halabi, A. (1982). *Al-kafi al-feghe*. Esfahan: Publications of the School of Imam Amir al-Mominin. (in Arabic)
- Hashemi shahrodi, M. (2008). *Requirements of criminal jurisprudence*. Tehran: Mizan Publications.

- (in Persian)
- Homaie Cheraghi, P., Habibi-Tabar, H., & Ghayom-Zade, M. (2019). Investigating the inherent dignity of human beings in the punishments of deprivation of social rights. *The Journal of Excellence in Law*, 3, 22-60. (in Persian)
- Hor Ameli, M. H. (1988). *Vasa'el al-shiea*. Qom: Al-Bayt publications. (in Arabic)
- Hungerford, W. P. (2009). *Criminal Procedure and Sentencing*, Routledge- Cavendish. 7th edition. London.
- Kant, I. (1984). *Groundwork of the metaphysics of morals*. Trans by h.j. pato. London: Hutchinson.
- Kashani, F. (1957). *Tafsir menhaj al-salehin*. Tehran: Elmi publications. (in Persian)
- Kavadino, D. (2004). Justification or reason for punishment. Trans by Ali Safari. *Journal of legal research*, 42, 287-324. (in Persian)
- Khaleghi, A. (2001). The theoretical foundations and scientific status of deprivation of social rights and public services as an alternative to deprivation of liberty. *Doctoral thesis*. Criminal Law and criminology. Tarbiat Modares University. (in Persian)
- Kosha, J. & Shamlo, B. (1997). The innovations of the new French criminal law. *Journal of legal research*, 19, 277-340. (in Persian)
- Majlesi, M.B. (1403). *Bahar Al- Anvar, Nashr-e Asar-e Islami Institute*. 2nd edition. Tehran: Publications of Wafa Institute. Vol. 6. (in Arabic)
- Makarem Shirazi, N. et al. (1995). *Tafsire nemone*. Tehran: Dar AlKotob Al-Islamiyah. (in Arabic)
- Mashkori Najafi, A. (1980). Comparative study of secondary and supplementary punishments in Iranian and French laws. *Doctoral dissertation*. Criminal law and criminology. Faculty of Law and Political Science. University of Tehran. (in Persian)
- Mohaghegh Damad, S. M. (2006). *Rules of Jurisprudence*. 6nd edition. Tehran: Islamic publication center. (in Persian)
- Mosavi khominy, R. (2000). *Tahrir al-vasile*. Qom: Imam Khomeini Publishing and Editing Institute. Vol. 2. (in Arabic)
- Motaveli-zade naini, N. & Hosini, M. (2012). Examining the theory of labeling by looking at Islamic sources. *Private Law Studies Quarterly*, 4, 117-136. (in Persian)
- Najafi Abrand-abadi, A.H. & Hashem-bigi, H. (2016). *Encyclopedia of criminology*. 19nd edition. Tehran: Publications of Shahid Beheshti University.
- Najafi Abrand-abadi, A.H. (2004). *Criminal science (A Collection of articles in honor of professor Dr. Mohammad Ashuri)*. Tehran: Side Publications. (in Persian)
- Najafi, M.H. (2002). *Javaher kalam*. Qom: Islamic publication Institute. Vol. 41. (in Arabic)
- Norbahae, R. (2006). *Context general criminal law*. 17nd edition, Tehran: Ganj Danesh Publications. (in Persian)
- Rahami, M. (2001). The nature, effects foundations of the sanctions of deprivation of social rights. *Qom Higher Education Complex Magazine*, 2 (11), 5-30. (in Persian)
- Rahimi nezhad, E. (2008). *Human dignity in the criminal law*. Tehran: Mizan Publications. (in Persian)
- Raijan Asli, M. (2019). *An introduction to criminology*. 4nd edition. Tehran: Samt Publications. (in Persian)
- Rostami Tabrizi, I. & Mohtashami, N. (2013). The theory of interactionism and its critical analysis. *Journal of Legal Studies of Shiraz University*, 2, 60-103. (in Persian)
- Sabry, N.M. (2004). *An introduction to research methods in law*. 2nd edition. Tehran: Mizan Publications. (in Persian)
- Salahi, J. (2012). *The basis and basics of criminology*. Tehran: Jangal Publications. (in Persian)
- Shahid, S. (1989). *Al-rozai al-behine*. Vol. 9. Qom: davari Publications. (in Arabic)
- Shiri, A. (2018). *Criminology encyclopedia of convicts*. Tehran: Mizan Publications. (in Persian)
- Sotode, H. (2005). *Social pathology*. 13nd edition. Tehran: Avai Noor Publications. (in Persian)
- Tosi, M. H. (1986). *Tahzib al- ahkam*. 4nd edition. Tehran: Dar AlKotob Al-Islamiyah. Vol. 10. (in Arabic)
- (1996). Al- Khalaf. Qom: Islamic Publications. Vol. 5. (in Arabic)